

رهنمون فرداها. به حزب

گل قاصد/ جهان روشنایی را پیام آور/ از افق
آمد/ از شقایق زار ایثار/ از کوجهای بخون تیبده /
از معراج آرزو/ با دستی پر رهاورد، / برای دوست /
با سینه ای پر از کین/ برای خصم
با پرچم سرفراز رهایی / ابری باران زار / در
خشکسال آرزوها/ لب تشنگان را چشمه / نامردمان
را دشمنه / شعر ظفر و شوق سفر/ پیامی از سرزمین
به زردی نشسته چهرهها/ کلامی از عصیان شعلهها/
با عشق زلال و خشم پایدار/ امروز هم چون دیروز/
ای حزب من! / رهنمون باش! / رهنمون فرداها.

ژاله
مردم شماره ۱۵۵، چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

ای بی خبران، ما را آئینی است!

ای بی خبران ما را آئینی است / آئینی در خدمت
انسان و بهروزیش / تابناک مانند خورشید، گرما
بخش مانند آتش / با استغنا درویشان و ایثار عاشقان /
با شور پیامبران و قهرمانان.

حقیقت را رها از شائبه سالوس می پرستیم / عدالت
را در دستهای پینه بسته می پرستیم / زیبایی را در
راستای زندگی می پرستیم / عشق را در پیوند جانها
می پرستیم / رزم را با دیوان آدمیخوار / وفا را در رزم
دشوار می پرستیم.

همه جانبازان راه حق در نزد ما مقدسند / و همه
یاران ستم و دروغ در نزد ما ملعون!

و این ایمان را چشمداشتی نیست / نه به سکه زر
و نه به غرفه رضوان / نه به کرسی ریاست و نه به تاج
پیروزی / و این ایمانی است چون بنفشه های محجوب
/ که بخاطر خرسندی خلق / در پای تندیس تکامل
نهاده می شود.

ا. ط.

مردم شماره ۲۱۳، پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۹

پیام به امریکا

چه می خواهی تو ای دژخیم دوران
از ایران سرزمین قهر و عصیان؟
ز پشتیبانی ضحاک خونخوار
نداری شرم؟ شرمت باد از این کار
تو خود دانی که این جلاد تاریخ
گسسته حلقه زنجیر شاهی است
که با او بسته شد شهنامه ما.
و نامش مرده در تاریخ ما باد
دگر آن روزگاران برنگردد
که بنشینند کسی بر تخت بیداد
کنون ایران پیروز سرافراز
ز رنج قرن ها آزاد گشته است
دهان بچه های کوچک حتی
بجای خنده پرفریاد گشته است
که روز انفجار خشم و کین است
که ایرانی حماسه آفرین است
شرار سینه ها - آتشفشانهاست
نفس ها شعله ور از سوز جانهاست
که هشیار است و بیدار است ایران
و نبض قرن تبار است ایران.
تجاوزگر بود محکوم تاریخ
جزایش نفرت است و انتقام است
شکستت را چه زود از یاد بردی
که جاویدان به یاد ویتنام است
شود بی شبهه جنگ افروز مغبون
مکن بازی دگر با آتش و خون

ژاله (اصفهانی) آذر ۱۳۵۸

مردم شماره ۲۰۹، یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۵۹
دنیاله دارد

1

ایچ عزیز! تنگم من مگر گدم که خوب ابلهان فاجعه بیگا
از ای ایست این سخن را نورت نام

لندن آوریل 2007

آقای احمد احرار سردبیر گرامی کیهان لندن.
ممنی است طبق قانون مطبوعات توضیح زیر را در اولین شماره نشریه خود منتشر نمایید
در کیهان شماره 1147، بتاریخ 17 اسفند ماه 1385 در سلسله نوشته های آقای ایرج هاشمی زاده « در مسیر انقلاب یا به پای
روزنامه مردم » ، دو شعریکی بنام « ژاله » و دومی « پیام به آمریکا » بنام « ژاله اصفهانی » منتشر شده است
« نامه مردم » ارگان حزب توده ایران ، پس از انقلاب، بارها اشعاری از شاعره ای بنام « ژاله » منتشر میکرد.
من در شماره 181، یکشنبه 12 اسفندماه 1358 نامه مردم توضیح دادم که :
« تاکنون در مردم اشعاری بنام « ژاله » و یا « ژاله ن » چاپ شده است. شایان ذکر است که این اشعار از ژاله بدیع (اصفهانی)
نیست »
شایان ذکر است که آقای ایرج هاشمی زاده در جزوه منتشر شده خود « حزب توده ایران به روایت حزب توده ایران » توضیح بالا
را منتشر کرده است.
شعر دوم « پیام به آمریکا » از ژاله (اصفهانی) ، سروده من است .
باسلام و احترام ژاله بدیع (اصفهانی)

را اله عزیز برای

این سخنان است که منظر من رسید در تغییر تبدیل دل

شماره 00351/43202099
اعلام در پست

به دست سنا تهیه شده را برای کهنه لندن نیز تا کنون برساند

با ابرار سلام لیدر ایرج
0043316372872